

سرشناسه	اصغری نژاد، محمد
عنوان و پدیدآور	عارفان وصال / به کوشش محمد اصغری نژاد.
مشخصات نشر	قم، سبیط النبی، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	۱۰۴ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۵۱۹-۳۸-۹
وضعیت فهرست نویسی	۱۰۰۰ تومان
یادداشت	فیبا؛
موضوع	کتابنامه، ص [۱۰۲]-۱۰۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷-خاطرات.
موضوع	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷-شهیدان.
رده‌بندی کنگره	ع ۲ الف ۱۶۳ DSR
رده‌بندی دیوبی	۹۵۵/۰۸۴۲۰۹۲۲
شماره کتابخانه ملی	۸۵-۲۶۶۱۳

عارفان وصال

مؤلف	محمد اصغری نژاد
ناشر	سبیط النبی
تیراژ	۲۰۰۰
نوبت	اول / ۱۳۸۶
قیمت	۱۰۰۰ تومان
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۵۱۹-۳۸-۹



انتشارات سبیط النبی
SABET AL-NABI PUBLICATIONS

مرکز پخش: قم / خیابان صفائیه / کوچه ممتاز / کوی فتحی / پلاک ۱۷ و ۱۹
تلفن نشر: ۷۷۴۵۰۷۳ / تلفن پخش: ۷۷۴۵۰۷۴ / فکس: ۷۷۴۵۰۷۵
همراه: ۰۹۱۲۵۵۳۳۴۱۱ / صندوق پستی: ۱۱۳۳-۳۷۱۵۳

این اثر با حمایت بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس به چاپ رسیده است.
کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

عارفان وصال

به کوشش محمد اصغری نژاد

فهرست

سخن اول	۱۱
پیش درآمد	۱۵

فصل اول: نوبت شهادت (واگویه‌های غیرشفاف)

اشاره	۲۱
کردستان؛ سکوی پرواز	۲۲
سیراب از کوثر	۲۳
شهدای آینده بهداری	۲۴
سعادت شهادت برای محسن نورانی	۲۶
تبدیل خواب به حقیقت	۲۷
دیدار به قیامت	۲۸
من راهی هستم	۳۰
راز خدا حافظی مکرر	۳۱
آخرین خدا حافظی	۳۲
اتمام کتابت؛ تاریخ شهادت	۳۳

۳۴	ملاقاتِ خودِ خدا
۳۴	اولین شهید تونل
۳۵	آقا را دیگر نمی بینید
۳۶	نوبتِ شهادت
۳۶	دیگر هیچ وقت
۳۷	تعبیر خواب پدر
۳۷	وعدهٔ سر خرمن
۳۸	امضاء: شهید محمدی
۳۹	شهید آینده
۳۹	اضافه شدن یک عکس دیگر
۴۰	مهیا بودن شرایط
۴۱	خواب پرواز
۴۱	وقتِ سحر
۴۲	تو هم می آیی
۴۳	پیش از موعد می دانست
۴۴	من شهید می شوم
۴۴	تعبیر از دواج با حورالعین
	فصل دوم: نوبت رفتن (واگویه های نیمه شفاف)
۴۹	اشاره
۵۰	نوبت رفتن

۵۰.....	شهیدم من، شهیدم من
۵۲.....	برو قرآن را پس بگیر
۵۳.....	سجده
۵۳.....	وصال در محرم
۵۴.....	آخرین عملیات من
۵۵.....	رفتن بی بازگشت
۵۶.....	تا شش ماه آینده
۵۷.....	علم واقعی به شهادت
۵۸.....	عملیات آخر
۵۸.....	آخرین آب
۵۹.....	در این عملیات
۶۰.....	آخرین عکس
۶۰.....	شهادت در ساعت ۱۴
۶۱.....	دو روز دیگر
۶۱.....	چند لحظه دیگر
۶۲.....	درخواست حلالیت
۶۲.....	حرکت به سوی شهادت
۶۳.....	آرزوی تحقق یافته
۶۳.....	مژده آن سروش غیبی
۶۴.....	پیشگویی برادر تفکری
۶۵.....	من و برادرم

۶۵	خودت بگو
۶۶	علت بشکن زدن
۶۸	دقیقاً در ساعت تعیین شده
۶۸	دستور غیر منتظره
۶۸	من می دانم
۶۹	دعوت به شهادت
۷۰	به خاطر سختی امانت
۷۰	تا پنج شنبه همین هفته
۷۱	مانند علی اصغر (ع)
۷۱	رؤیای آقای سیفی
۷۲	در خیبر

فصل سوم: پرواز در فکه (واگویه های شفاف)

۷۵	اشاره
۷۶	وصال در اسارت
۷۷	با هشت ساعت تأخیر
۷۸	پرواز در فکه
۷۹	حسن زمانی و رسول قربانی
۸۰	سفر به آن دنیا
۸۱	تا هفته دیگر
۸۲	هنگامه لبیک

۸۶	تا شش ماه دیگر.....
۸۷	آگاهی از چگونگی عروج.....
۸۸	۷۲ ساعت دیگر.....
۸۹	مثل مادرش زهرا(س).....
۹۰	تا یکی دو ساعت.....
۹۱	تبریک شهادت خویش.....
۹۲	سر ساعت ۱۰.....
۹۴	شهید سید حسین حسینی.....
۹۵	حکایت آن عارف گمنام.....
۹۶	هشت ماه دیگر.....
۹۷	شرمنده از روی زهرا(س).....
۹۸	درست در ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه.....
۹۹	با دو تیر.....
۱۰۱	کتابنامه.....

سخن اول

در منطق قرآن و روایات، شهید مقام و منزلتی بس والا و حیات ویژه‌ای دارد که برای اهل دنیا قابل ادراک نیست. در آیه ۱۵۴ سوره بقره آمده است: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» شهید در تعامل با حضرت حق، به متاع بسیار ارزنده‌ای دست می‌یابد و پاداش بزرگی را از آن خود می‌نماید. در آیه ۷۴ سوره نساء می‌خوانیم: «وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»

در واقع، بهای جهاد در راه خدا و بذل مال و جان، حیات الهی و هم آغوشی با بهشت و نعمت‌های آن است و این پاداش، چنان عظیم، ارزنده و شادی‌آور است که در خیال آدمی نمی‌گنجد. در آیات ۱۶۹ تا ۱۷۱ سوره «آل عمران» آمده است: «وَلَا تَحْزَنْ أَلِ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ... يَسْتَبْشِرُونَ بِنِغْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ...»

در احادیث نیز از عظمت شهید و شهادت سخن‌های فراوانی به میان آمده است. از جمله در روایتی از رسول خدا (ص) آمده است: سوگند به کسی که جانم به دست اوست، اگر پیامبران سر راه شهدا باشند، به احترام آن‌ها از جای خویش برمی‌خیزند و این به خاطر بها و عظمتی است که در آن‌ها مشاهده می‌کنند؛^۱ چون شهدا شرافتمندانه‌ترین مرگ را برگزیده‌اند.^۲

در کلام و پیام امام شهدا نیز به شهید‌نگاهی ستایش‌انگیز شده است. درباره شهید و فضیلت شهادت آن قدر روایت وارد شده است که انسان متحیر می‌شود.

در روایتی که در کافی نقل شده، شهدا قرین انبیا قرار داده شده‌اند. جلوه‌ای که حق تعالی بر انبیا می‌کند، همان جلوه را بر شهدا نیز می‌نماید. همان طور که انبیا حجاب‌ها را شکسته‌اند، شهدا هم به وجه خدا نگاه می‌کنند و حجاب‌ها را شکسته‌اند. این آخرین منزلی که ممکن است برای انسان باشد، این آخرین منزلی که برای انبیا وجود دارد، برای شهدا هم بر حسب حدود وجودی آن‌ها هست و به این منزل آخر می‌رسند.^۳

در نگاه عارفان نیز مرگ پایان زندگی نیست، لایه عمیق‌تر زیستن و رسیدن به فراخنایی است که حد و حصر ندارد؛ مرگ یعنی پیوستن انسان به اصل خود.

۱. صحیفه الرضای (ع)، ص ۱۱۸.

۲. ر.ک: بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۸.

۳. ر.ک: ابواب معرفت (تنظیم موضوعی و اعتقادی، عبادی و عرفانی بیانات امام خمینی)، صص ۲۶۸ و ۲۶۹ (با تصرف).

هر کس حقیقت مرگ را دریابد، نه تنها دلهره و هراس بر جانش بال و پر نمی‌گشاید؛ که شوق‌مند و شگفته مرگ را جستجو می‌کند و در متن مرگ، وجود و زندگی بسیار نوینی را دریافت می‌نماید؛ یعنی مرگ را بزم و نرگستان می‌بیند:

خنجر و شمشیر شد ریحان من مرگ من شد بزم و نرگستان من
روح عرفان، یعنی مرگ در راه محبوب؛ از همه چیز گذشتن و هستی خود به قربان‌گاه محبوب آوردن. عارف، مرگ پروانه‌گون گیرد شمع دوست را عین هستی و کمال می‌بیند. هر که در این راه گام نهد، باید بداند که راهش خونی، کوچه‌هایش سرشکن و نهایتش سربریدگی است.

در منطق عرفا، تعبیر از مرگ آن قدر دلپذیر و زیباست که چشم‌اندازهای شوق‌انگیزی را در مقابل انسان می‌گشاید. مرگ گریزان و مرگ هراسان، حقیقت مرگ را نفهمیده‌اند؛ آن‌ها با روح زندگی یعنی مرگ بیگانه‌اند و زیستن بی روح و ملال‌آور خاکی را مقصد و مقصود می‌دانند. اگر چشم به فراخنای بی‌مرز آن سوی خاک‌ها بگشایند، این جا را به چیزی نمی‌گیرند.

در تعبیر عرفا «مرگ سرخ»، کشته شدن به تیغ محبوب است؛ تیغی که باید رقص‌کنان خنجر به آن سپرد. به بیانی روشن‌تر، مرگ سرخ یعنی خود را هیچ گرفتن، از «من» گذشتن و به «او» رسیدن.

مرگ را آغاز حیاتی نو دانستن، پشتوانه آرامش روح و روان است. با چنین دیدگاهی، مرگ گذرگاهی از یک کرانه تا کرانه دیگر است نه پایان

زندگی و نردبانی به افقی فراخناک است.^۱ شهدای ما که ره صد ساله را یک شبه پیمودند، در چنین میدانی اندیشه می‌کردند و عارفان وصال، برگزیدگانی از شهیدان عرصه دفاع مقدس بودند که با الهام یا خواب و رؤیا و مانند آن، به میهمانی در مجلس بزم الهی فرا خوانده شدند و عاشقانه و رقص کنان رفتند و سرمست از می‌وصال به جانان رسیدند: زیر شمشیر غمش رقص کنان باید رفت.

بلال در بستر مرگ افتاده بود، همسرش گریست. پرسید: چرا گریه می‌کنی؟

گفت: چرا نگیریم که مرگ در انتظار تو است؟

گفت: مرگ، موصل الحبيب الى الحبيب است.^۲

آن که مردن پیش چشمش تهلکه است

بسانگ «لاتلقوا» بگیرد او به دست

و آن که مردن پیش او شد فتح باب

«سارعوا» آمد مر او را در خطاب

ای شهیدان! شما در جهانی هستید که مثل دریاست و این جهان ما

مانند کف آن است. بیایید و از سر لطف و عنایت، فاصله خود را با ما کم

کنید.^۳

۱. ر.ک: دومین کنگره ادبیات شهادت، ج ۲، مقاله «مرگ اندیشی در ادبیات گذشته، معاصر و انقلاب»، اثر دکتر سنگری، صص ۵۱ - ۵۳.

۲. همان.

۳. ر.ک: اولین کنگره فرهنگ و ادبیات شهادت، صص ۶۵ و ۶۶ (سخنرانی دکتر یثربی).

پیش درآمد

امور و موجودات عالم هستی یا آشکار هستند یا غیر آشکار و غیبی. امور و موجودات غیبی بر دو قسم می‌باشند: مطلق و نسبی. غیب مطلق آن است که بر همگان مخفی و پوشیده است؛ مثل ذات خداوند که معرفت آن برای هیچ کس امکان ندارد و در پس پرده غیب است؛ البته برای خود خداوند آشکار است. غیب نسبی آن است که معرفت آن برای برخی از افراد پوشیده است؛ مثل حالات فرشتگان و تعداد آن‌ها.^۱

نباید فراموش کرد که تقسیم امور و موجودات به غیب و شهادت با توجه به معرفت و شناخت است؛ نه با توجه به اصل آن امر و موجود؛ یعنی اگر مسأله معرفت و شناخت مطرح نباشد، تقسیم به غیب و شهادت بی‌معناست.^۲

۱. ر. ک: تسنیم، ج ۲، ص ۱۷۱.

۲. همان، ص ۱۷۲.

وانگهی، معرفت و شناخت آدمی - چه نسبت به امور غیبی و چه نسبت به امور عینی و مشهود - فقط در پرتو عنایت خداوند صورت می‌گیرد و نباید دچار این اشتباه - بلکه کفر - شد که در امور غیر غیبی، نیازی به خداوند نداریم. البته مشیت خداوند بر این نیست که همگان از غیب و علوم غیبی آگاه شوند.^۱ چنین علومی فقط در اختیار برگزیدگانی از بندگان خداوند قرار می‌گیرد؛ زیرا در نهاد آن‌ها ظرفیت لازم و وسعت روحی مورد نیاز برای این امر وجود دارد.

بدون شک، تعداد قابل توجهی از رزمندگان عرصه دفاع مقدس، از بندگان خاص و برگزیده الهی بودند و قابلیت و شایستگی لازم برای دریافت علم غیب را داشتند. خدای سبحان نیز به تناسب حالات و ظرفیت‌های افراد، آن‌ها را از علوم غیبی خویش بهره‌مند و کامیاب می‌ساخت. بخشی از این علوم غیبی که مربوط به مرگ، زمان، کیفیت و مکان آن است، به گروهی از عزیزان رزمنده - در عالم رؤیا یا بیداری و به طور مستقیم و بی واسطه یا غیر مستقیم و با واسطه - عنایت شد و به برکت این بندگان برگزیده خدا در اختیار دوست و آشنا قرار گرفت و سینه به سینه به دیگران منتقل شد تا هم مایه شادی و دلگرمی این فرزندان - که در آرزوی وصال به سر می‌بردند - شود و هم حجت الهی بر مردم تمام گردد.^۲

آنچه در این اثر تقدیم می‌گردد، درباره همین موضوع است؛ درباره

۱. البته منظور، بخش و پاره‌ای از غیب و علوم غیبی است، نه همه آن‌ها.

۲. شاید اشاعه این نوع از علوم غیبی، حکمت و فلسفه‌های دیگری هم داشته باشد.

عارفان وصال؛ فرزانه‌گانی که در پی می وصل بودند و سرانجام، عاشقانه آن را سرکشیدند و به جانان پیوستند.

عارفان وصال که گوشه‌ای از آن در این نوشتار به تصویر درآمده، مجموعه روایت‌هایی است که قریب به اتفاق آن‌ها از کتاب‌هایی که در عرصه دفاع مقدس به چاپ رسیده‌اند، گرد آمده است و در اغلب آن‌ها دخل و تصرف صورت گرفته تا غرض این اثر تأمین گردد.

فصل‌بندی مطالب کتاب بر پایه روایت‌های غیر شفاف، نیمه شفاف و شفاف است؛ زیرا داده‌هایی که پیرامون شهادت است، یا اجمالی و سربسته است و یا آشکار و واضح. نوع دوم هم بر دو قسم است: یا داده‌ها شفافیت کمتری دارند و یا از شفافیت بیشتری برخوردارند.

امید است این اثر مورد قبول حضرت حق و واسطه‌های فیض الهی قرار گیرد و موجب خشنودی شهدا و عارفان وصل شود.

محمد اصغری نژاد

پاییز ۱۳۸۵